



یادداشت

یوسف بی‌نا

شعر فارسی؛ محور گفت‌وگوی اجتماعی و انسجام ملی

بیست‌وهفتم شهریورماه که روز ملی شعر و ادب فارسی است و روزهای پیرامون آن به‌طور معمول برنامه‌هایی برای بزرگداشت شعر و شاعران برگزار می‌شود که این برنامه‌ها به‌خودی‌خود بسیار مفیدند و اگر باشکوه و پرمحتوا باشند می‌توانند به رخدادهایی الهام‌بخش و حتی جر‌بان‌ساز نیز تبدیل شوند. اینجا سخن بر سر چندوچون این برنامه‌ها و بایسته‌های برگزاری شایسته‌ی آن‌ها نیست بلکه سخن بر سر این نکته است که امروز بیش از هر زمان دیگری از تاریخ ایران باید فراتر از هر برنامه و رویدادی به اهمیت و ارزش ویژه شعر فارسی که مهم‌ترین استوانه‌ی فرهنگ ایرانی است توجه کنیم و از آن بهره‌ای چنان‌که باید و شاید ببریم.

جامعه‌ایرانی به‌ویژه در پنج‌سال اخیر با مسائلی مواجه‌شده‌است که هر کدام چنان همه‌اجزای کشور را درگیر کرده‌اند که سخن‌گفتن از آن‌ها گویا بحث در باب بودن یا نبودن یک ملت و مملکت است. در این میان حوادث سال ۱۴۰۱ که نوجوانان و جوانان درگیر بخش مهمی از آن بودند و ماجراهای تلخ‌وشیرین دو جنگ تحمیلی بزرگ که هنوز درگیر آنیم از همه مهم‌ترند؛ اولی به ما نشان داد چقدر در گفت‌وگوی سالم و سازنده میان نسل‌های مختلف ناتوان بوده‌ایم و دومی ثابت کرد لحظه‌ای نباید از هر آنچه به انسجام اجتماعی و اتحاد ملی می‌انجامد غافل بمانیم.

سخن در این باره بسیار است، اما بی شک یکی از مهم‌ترین سرمایه‌های فرهنگ ایرانی برای اینکه به‌عنوان محور گفت‌وگوی میان‌نسلی قرار بگیرد همانا شعر فارسی است که هم‌نسل‌های پیشین به آن علاقه‌مندند و هم نوجوانان و جوانان مشتاقانه و کنجکاوانه می‌خواهند از آن یخوانند و بشنوند. چه‌بسا بزرگ‌ترها حرف‌های درستی زده‌اند و فرزندان ننشیده‌اند اما دیده‌ایم که وقتی سخن از شعر فردوسی و خیام و سعدی و مولوی و حافظ است هر دو نسل با هم نشستند‌اند و تمرین همدلی و هم‌زبانی کرده‌اند. همچنین چه‌بسیار می‌بینیم که شعرهای ملی و حماسی و اجتماعی و عاشقانه از متن شاهنامه تا همین سروده‌های شاعران امروز چقدر در شکل‌گیری و تقویت یکپارچگی ملی و احساس هم‌سرنوشتی ایرانیان کارایی دارند؛ به‌طوری که نمی‌توان هیچ عامل دیگری را کارا‌تر از آن دانست.

این‌ها در حالی است که می‌دانیم شاعران بزرگ فارسی‌زبان ارزشمندترین و مهم‌ترین مایه‌های فرهنگ و حکمت ایرانی را در عالی‌ترین شکل‌های هنری جاودانه ساخته‌اند و دژ محکمی از ایران فرهنگی ساخته‌اند که به اصطلاح امروزی‌ها ژرفای راهبردی و دامنه گسترش آن را در پهنه گیتی به‌طور بی‌مانند و معجزه‌آسایی تثبیت و تحکیم کرده است. اینک این گوی و این میدان. مسائل ایران روی میز ما ایرانی‌هاست؛ داشته‌های ما نیز در مشّت ماست. حیف است از این داشته اعجاز‌گونه در این آورده‌گاه بودن یا نبودن بهره‌برنداریم.

علم و فناوری

ایران از جدول «اسپیدتست» غیب شد

«اسپیدتست» را احتمالاً با همان اپلیکیشن محبوبی می‌شناسیم که وقتی اینترنت‌مان به سرفه‌های آخ‌رش می‌افتد، سراسیمه‌باش می‌کنیم تا بفهمیم مشکل از زیرساخت کشور است یا نه؟ اما این سنسور سنجش سرعت، غیر از آنکه به ما بگوید قطعیم یا وصل، هر ماه گزارش جهانی منتشر می‌کند که حال و روز دیجیتال کشورها را روی دایره می‌ریزد. حالا در تازه‌ترین نسخه (۲۰۲۴اگوست) اتفاق عجیبی افتاده و مثل اینکه نام ایران در فهرست اینترنت ثابت و موبایل، در هیچ رتبه‌ای دیده نشده است! در ستون سرعت دانلود، آپلود و رتبه‌بندی هم فقط دو حرف «N/A» به معنای ثبت نشده قرار دارد و موجب شده این شائبه شکل بگیرد که نکند واقعاً از لیست اینترنت جهان حذف شده باشیم؟

قبل از هرگونه نتیجه‌گیری درباره غیب‌شدن ایران از نقشه اینترنت جهان، بد نیست بدانید یورونیوز هشدار می‌دهد! N/A شدن ما، لزوماً به این معنا نیست که سرعت اینترنت به صفر مطلق رسیده یا ما رسماً مدل بدترین اینترنت جهان را به گردن آویخته‌ایم؛ این مسئله بیشتر یک وسواس آماری است و اسپیدتست از ژوئن ۲۰۲۴ برای وارد شدن به جدولش آستانه ورود تعریف کرده و نتایج را میانگین سه ماهه می‌گیرد. وقتی کشوری به حد نصاب داده‌های لازم نرسد، سیستم آن را نامرئی می‌کند؛ اما این راهم در نظر بگیرید که این توجیه فنی، دلیل نمی‌شود که ما خوب هستیم و اینترنت‌مان مثل نور کار می‌کند. شما که غریبه نیستید، همین یک ماه پیش، ایران در رتبه‌بندی اینترنت ثابت، در جایگاه ۱۴۰ از میان ۱۵۱ کشور جهان ایستاده بود و سرعت دانلود ۲۴/۱۹ مگابیت و آپلود ۶/۴۶ مگابیت، عددی بود که حتی ماداگاسکار، کنیا و مالی هم بالاتر از آن ایستاده بودند. حالا که ناممان در جدول نیست، نباید همه‌اش را گردن مسائل فنی بیندازیم. از طرفی، اینترنت برای ما نه یک ابزار تفننی؛ بلکه شریان حیاتی زندگی مان است؛ ابزاری که چرخ کسب‌وکارهایی را می‌چرخاند که تنها با یک اختلال کوچک، فرو می‌ریزند و چهره عزیزان را به ما نشان می‌دهد که کیلومترها دورتر، در جغرافیای دیگری نشستند. ماه‌های اخیر اما برای این شبکه، روزهای سیاهی بوده؛ از آن قطعی گسترده ۲۸‌سوره ۲۰۲۶ (همزمان با آغاز جنگ) که سه‌ماه دسترسی عادی را به‌مسخ‌برد، تا برآوردهای دلهره‌آور رویترز در آوریل و خسارت‌هایی که روزانه ده‌ها میلیون دلار تخمین زده می‌شدند و اگرچه هیچ‌وقت به‌طور رسمی تأیید نشدند؛ اما عمق فاجعه را نشان می‌دادند. در نهایت، به نظر می‌رسد ایران از جدول اسپیدتست حذف نشده؛ بلکه در لایه‌ای آمارها گم‌شده و این موضوع برای کاربری که در چنبره اینترنت‌گند، گران و متناوب گیر افتاده، عملاً فرقی نمی‌کند که رتبه‌اش ۱۴۰ باشد یا «N/A»؛ وقتی دسترسی دشوار است، اینکه آمارها ما را نشانیند یا در قعر جدول نشانمان بدهند، دردی را از ما دو نمی‌کنند.

اوقات شرعی به افق تهران	اوقات شرعی به افق مشهد		
امان ظهر	امان ظهر	امان صبح فردا	امان صبح فردا
۱۱:۵۸	۱۱:۲۵	۱۷:۵۲	۳:۵۳
غروب خورشید	غروب خورشید	نیمه شب شرعی	طلوع فردا
۱۸:۰۶	۱۷:۳۳	۲۲:۴۳	۵:۱۸
طلوع فردا	غروب خورشید	نیمه شب شرعی	طلوع فردا
۴:۲۶	۵:۵۱	۲۳:۱۶	۵:۵۱

صاحب امتیاز: مؤسسه فرهنگی قدس وابسته به آستان قدس رضوی	
مدیرعامل و مدیر مسئول: علی یعقوبی سردبیر: نسیم محسن اسدی	
آدرس دفتر مرکزی مشهد: بولوار سجاده، نبش سجاد ۱۴-۳۷۶۸۵-۱۱ (۰۵۱) تلفن:	

دروغ‌های استادان موفقیت را باور نکنید

کارخانه بازیافت شکست‌خوردگان!



موفقیت فقط در پول و درآمد بیشتر است... میان زندگی شخصی و رسیدن به موفقیت باید یکی را انتخاب کنید و قید دیگری را بزنید... همیشه، خواستن، توانستن است... و همیشه هم این استاد و مربی و با دوره‌هایی که برایتان می‌گازد است که از موفقیت را برای شما فاش می‌کند! همه این دروغ‌ها برای این است که شما به سرتان نزدیک‌تر از ثبت‌نام در دوره‌های فلان مربی و مدرس مشهور موفقیت، از خودتان بپرسید «این آقای خانم مدرس، شغل اصلی‌اش چیست؟ در کدام شغل یا تجارت و کاسبی توانسته به شعارهایی که در دوره‌هایش می‌دهد، جامعه عمل ببوشاند؟ درآمدش از راه آموزش موفقیت به دیگران چقدر است؟ آیا می‌شود او را آدم موفق‌ی در شغلش به حساب آورد؟»

اگر این دورپرسش را از خودتان نپرسید، قطعاً دنبال پاسخ این پرسش هم نخواهید رفت که «چرایک کارخانه‌دار موفق، یک مدیر سایت موفق، صاحب یک کسب و کار مثل دیجی کالا و یا همان افرادی که مربیان ما را وادار می‌کنند خودمان را با آن‌ها مقایسه کنیم، نمی‌آیند و در کنار کارشان، مدرس و مربی موفقیت نمی‌شوند تا تجربه‌هایشان را به دیگران انتقال دهند و خودشان هم پولی دربیاورند؟» به قول معروف اگر درآمد «آموزش یافتن طلا» در آرمَد «یافتن طلا» بیشتر باشد، دیگر هیچ‌کس دنبال کشف و استخراج طلا نمی‌رد!

همه این‌هایی که در باره مدرسان موفقیت و آموزش‌هایشان گفتیم، حرف‌هایی است که از چند سال پیش پیش گفته شده و برای همین هم خیلی‌ها از این گروه به نام «راه‌زنان لیخند بر لب» نام برده‌اند که با شعار و لیخندهای کذابی، جیب کارآموزانشان را خالی می‌کنند؛ اما تداوم فعالیت

تلاش، تجارت و... «موفقیت» است. آن‌ها با عباراتی مثل؛ «رؤیاهایتان را بسازید، مثبت فکر کنید، آرزوهایتان را محقق کنید، موفقیت و شکست یک انتخاب هستند و...» کاری می‌کنند که شما به ماهیت واقعی موفقیت، نقش عوامل دیگری جز خودتان در موفقیت، تحقیق و تلاش و... فکر نکنید و به دام این تصور بیفتید که با مثبت‌اندیشی و گذراندن دوره‌ای کوتاه‌مدت می‌توانید زندگی‌تان را زیر و رو کنید. البته مثبت‌گرایی مقوله‌ای منفی نیست؛ اما تلقین این ایده که شما همواره در هر حالت باید دیدگاه مثبت خود را حفظ کنید، می‌تواند مضر باشد و باعث شود افراد به جای پرده‌اش احساسات خود، آن‌ها را سرکوب کنند.

مشکل دیگر بسته‌های موفقیتی که اغلب مدرسان موفقیت به شما می‌فروشند، این است که با تلقین اعتماد به‌نفس کاذب، شما را وادار می‌کنند خودتان را با افراد خاص و موفق مقایسه کنید. مثلاً؛ «ایلان ماسک را ببین... بیل گیتس را ببین... مگر تو نمی‌توانی مثل آن‌ها باشی؟»، سرگرم شدن شما به این مقایسه سبب می‌شود یک اصل ساده را فراموش کنید: اینکه هر فرد استعداد و توانایی مشخصی دارد. بنابراین بدون اینکه استعداد‌های خاص خودتان را پیدا کنید و نقاط قوت و ضعف‌تان را بشناسید، درگیر پاسخ این پرسش می‌شوید که «مگر من نمی‌توانم مثل ماسک باشم؟»

■ **دروغ‌های شاخ‌دار**
گذشته از دروغی که بالاتر در باره‌اش نوشتیم، مدرسان موفقیت، به کارآموزانشان دروغ‌های شیک و شاخ‌دار دیگری را هم تحویل می‌دهند. «موفقیت راه‌های ناگفته‌ای دارد...

صندوق پستی: ۵۷۷ - ۹۱۷۳۵	روابط عمومی: ۳۷۶۲۵۸۷ - ۳۷۶۲۵۸۷ (۰۵۱)
دفتر تهران: بولوار کشاورز، بین کارگر و چمنزارده، شماره ۳۴	نمابر سردبیر: ۳۷۶۸۰۰۴ - ۳۷۶۱۰۰۸۷ (۰۵۱)
تلفن: ۶۶۹۳۷۵۵ (۰۲۱)	سازمان آگهی‌ها: ۳۷۶۸۲۰۵ - ۳۷۰۸۸ (۰۵۱)
نمابر: ۶۶۴۳۰۱۲۲ (داخلی ۲۲۶)	فاکس: ۳۷۶۱۰۰۵ (۰۵۱)
پیامک: ۳۰۰۰۴۵۶۷	سفارشات چاپی: ۳۷۶۷۶۵۶ (۰۵۱)
ارتباطات مردمی: ۳۷۶۱۰۰۸۶ (۰۵۱)	چاپ مشهد: مجتمع چاپ و نشر قدس
امور مشترکین: ۳۷۶۱۸۰۴۴-۵ (۰۵۱)	چاپ هرمزان تهران: چاپخانه جام‌جم

موفقیت‌فروشان؛ به خصوص در شبکه‌های اجتماعی، آن هم در شرایط اقتصادی امروز، زدن حرف‌های تازه‌تری را ایجاب می‌کند. صفحه اینستاگرامی «چرتکه» درباره مدرسان موفقیت می‌نویسد: «چرا مدرسان موفقیت، خشم جمعی می‌سازند؟ وقتی جامعه زیر بار سنگین تورم، کاهش قدرت خرید و فرسایش روانی دست و پا می‌زند، دیدن چهره‌هایی با لیخندهای تصنعی که با لحنی حق به جانب تکرار می‌کنند: «فقط بخواه تا بشود» توهین مستقیم به رنج زیسته مردم است. خشم مخاطب از این است که می‌بیند ساعت‌ها کار زیاد و شرافتمندانه‌اش توسط کسانی که از سختی‌های اقتصاد واقعی هیچ درکی ندارند، به بی‌عرضگی تعبیر می‌شود.»

بزرگ‌ترین راز این صنف با یک سؤال ساده بر ملا می‌شود: اگر دوربین، نورپردازی، پیچ اینستاگرام و ادعاهای دهان‌پرکن را از آن‌ها بگیرید، کارنامه واقع‌بینان چیست؟ تنها کسب و کار واقعاً پول‌ساز مربی موفقیت، فروش بسته موفقیت به شماست. محصول آن‌ها نه تخصص است و نه مهارت. آن‌ها امید بسته‌بندی شده را به عنوان متاعی گران‌قیمت به خریداران سرخورده قالب می‌کنند!

■ مقصر جلوه دادن قربانی

کارمندی که روزی ۱۲ ساعت تلاش می‌کند؛ اما زورش به تورم نمی‌رسد، وقتی در سمینار این مربیان شرکت می‌کند، با خرعبلاتی مثل «ذهنیت فقیر... کائنات به ارتعاش منفی پول نمیده... فقیریک انتخابه» روبه‌رو می‌شود.

مربیان موفقیت چشمشان را بر واقعیت‌های اقتصادی، ساختار معیوب و نابرابری‌ها می‌بندند تا شکست فرمول‌های توخالیشان را گردن شما و باورهای درونیتان ببندازند؛ تا تاکتیک رذیلاانه تا هم خودشان را تبرئه کنند، هم شما را برای خرید بسته‌های دوره بعدی، در باتلاق عذاب وجدان نگه دارند.

همایش‌های انگیزشی در واقع کلینیک‌های تزریق دوپامین مفت و ارزان هستند. موسیقی‌های حماسی، فریادهای جمعی، گریه‌های هماهنگ شده و تکرار جملات تأکیدی هم‌رومن پاداش مغز را دستکاری می‌کنند. شرکت‌کننده بدون آنکه سر سوزنی در دنیای واقعی پیشرفت کرده باشد، دچار این خطای شناختی می‌شود که با حضور در سالن، نبمی از مسیر ثروتمند شدن رافتح کرده است.

این نشنگی اما بیش از ۴۸ ساعت دوام نمی‌آورد؛ شنبه که از راه می‌رسد، همان زندگی سخت برمی‌گردد با این تفاوت که چند میلیون تومان از جیب کارآموز رفته و مغز خمار او محتاج دُزِ بعدی بسته‌های آموزشی مربی است! وقتی خریدار یا دانشجوی دوره با سر به دیوار واقعیت باز می‌خورد و متوجه بی‌خاصیت بودن آموزش‌ها می‌شود، مربی مرحله دوم بیزینسش را روی‌می‌کند. فرد مالباخته که پس‌اندازش سوخته، حالا متقاعد می‌شود که خودش کت و شلوار بپوشد، میکروفن یقه‌ای بزند و دقیقاً همان توهماتی را که مربی‌اش به او قالب کرده، با یک نام دیگر به لایه ساده‌لوح بعدی جامعه بفروشد. این باز یافت افراد ناامید در قالب یک ساختار هرمی، مثل کارخانه‌ای عمل می‌کند که در آن شکست‌خوردگان دیروز، به شیادان امروز تبدیل می‌شوند!

اقیانوس زیر زمین

شده؛ ولی مطمئن‌اند که چرخه آب زمین، بسیار عمیق‌تر و پیچیده‌تر از چیزی است که در کتاب‌های درسی مدرسه به ما یاد داده‌اند.



زمین را در آزمایشگاه باسازی کردند. ابزارشان سلول‌های سندان الماس با گرمایش لیزری بود. آن‌ها نمونه‌ای میکروسکوپی را میان دو الماس فوق سخت قرار دادند و با لیزر، آن را تا مرز گداختن داغ کردند. نتیجه، شناسایی دو ترکیب ناشناخته از اکسی هیدروکسید آهن بود؛ کانی‌هایی که انگار ذاتاً غلظت نئوشین آب دارند و می‌توانند حجم قابل توجهی از آن را در ساختار خود حفظ کنند. جالب اینجاست که حتی وقتی ماده اولیه، کمتر از ۱/۰ درصد آب داشته، این ترکیبات شکل گرفته‌اند؛ یعنی برای ذخیره کردن آب در این اعماق، لازم نیست زمین یک اقیانوس کامل را ببلعد؛ همین مقدار ناچیز هیدروژن کافی است تا ذخایر عظیمی در اعماق هسته شکل بگیرد. بنابراین، این آب‌های باستانی یادگار روزهای نخستین شکل‌گیری زمین‌اند؛ زمانی که سیاره هنوز داغ و مذاب بود و این کانی‌ها به دلیل چگالی بالا، به سمت اعماق سقوط کردند. شاید در طول میلیاردها سال، بخشی از این آب هم از طریق فعالیت‌های آتشفشانی، دوباره به سطح زمین راه یافته باشد. به هر حال محققان هنوز نمی‌دانند دقیقاً چند اقیانوس آب در این سنگ‌های اعماق حبس

با خودت درست حرف بزن!

رک بگویم؛ یعنی هر جمله بی‌رحمانه‌ای که در سرمان تکرار می‌کنیم، مثل یک دستورنظامی به بدن مخابره می‌شود. پس بد نیست اگر سراغ خودگویی مثبت را بگیریم. البته نه از آن نوع انگیزشی‌های توخالی که جلو آینه می‌ایستیم و به خودمان می‌گوییم «من یک بهتر بنم». بعد انتظار داشته باشیم همه عوامل منفی و کم و کاستی‌ها به احترام اعتماد به نفس ما محو شوند. خودگویی مثبت یعنی واقع‌بینی منصفانه. مثلاً وقتی در جلسه‌ای از پاسخ‌دادن درمانده می‌شویم، دوره پیش‌رو داریم. با چکش قاضی درون را بکوبیم و حکم «من برای این کار ساخته نشده‌ام» را صادر کنیم و یا با خود بگوییم: «این بار آماده نبودم، دفعه بعد اصلاحش می‌کنم». در جمله دوم، خبری از معجزه نیست؛ اما حداقل جاقو را از دست قاضی درونمان گرفته‌ایم.

جالب است بدانید که مغز، داده‌های بدن را می‌گیرد و درباره میزان تهدید آن‌ها تصمیم می‌گیرد. ترس و اضطراب می‌توانند ادراک درد را شدیدتر کنند و در مقابل، امنیت و آرامش می‌توانند آن را تعدیل کنند. البته این به هیچ‌وجه به معنای این نیست که همه دردها فقط توی سرتان است. التهاب و بیماری واقعی‌اند و با شعارهای مثبت‌اندیشی ناپدید نمی‌شوند. در نهایت کل حرف روان‌شناسان این است که اگرچه قبول داریم و می‌دانیم قرار نیست همیشه با

